



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مقاله تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)
مدرسه علمیه زهراى اطهر[□]
شهر مشهد

موضوع مقاله:

بررسی سنت ابتلاء از دیدگاه آیات و روایات

استاد راهنما:

سرکار خانم سکینه امامی پور

استاد داور:

محقق:

زینب قربانی



بهار ۱۳۸۸

چکیده

عنوان مقاله‌ای را که پیش رو دارید سنت ابتلاء از دیدگاه آیات و روایات است.

ابتلاء در لغت به معنای کشف کردن و آزمودن است.

ابتلاء از سنت‌های قطعی الهی است تا انسان امتحان نشود و در بوته آزمایش قرار نگیرد، برای نیل به مراحل بالاتر جوهر لازم را به دست نمی‌آورد. امتحان الهی به دلیل کشف مجهول نیست، خداوند به همه چیز علم دارد بلکه او انسان‌ها را می‌آزماید تا آنها، آنچه را در درون دارند به مرحله ظهور برسانند چراکه خداوند براساس علم خود به آنها کیفر نمی‌دهد بلکه پاداش و عقاب بر طبق عمل انسان هاست. ابتلاء از منظر قرآن کریم، موضوعی تفسیری است. بنابراین در اکثر تفاسیر به بررسی لغت ابتلاء اشاره شده است. اهمیت و ضرورت این مسئله به دلیل عمومیت و فراگیر بودن این موضوع و نقش سازنده آن و مؤثر بودن آن در نگاه و نگرش انسان در زندگی، لازم است به طور جدی به این بحث پرداخته شود.

این پژوهش، به اعتبار نوع توسعه‌ای، کاربردی و به اعتبار موضوع تحقیق دینی، به اعتبار ماهیت، توصیفی و به اعتبار روش جمع‌آوری مطالب، کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژه‌ها

ابتلاء: آزمون،^۱ فرسودگی^۲

فتنه: آزمایش، محنت^۳

تمحیص: پاکیزه نمودن شی از آلودگی^۴

امتحان: اختبار، گداختن شیء برای خالص کردن آن.^۵

۱. محقق، محمدباقر، دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، تهران، انتشارات بعثت، ج ۳، ص ۴۵۸.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران، الحوراء، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.

۳. مسعودی، جبران، الرائد، فرهنگ الفبایی عربی - فارسی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۱.

۴. جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۱۸۴۰.

۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، ۱۹۹۸ م، ج ۱۳، ص ۴۲.

مقدمه

کلمه «ابتلاء» از ریشه (ب ل ی) گرفته شده است و لغت ابتلاء به معنی آزمودن و کشف کردن است. در اصطلاح عبارت است از عملی که موجب ظهور حقیقت شیء شود و مراتب کمال و استعداد و لیاقت اشخاص با آن معلوم گردد. و حقیقت امتحان، کاری است تا در پرتو آن نهاد و نهان ممتحن آشکار شود.

یکی از سنن الهی، آزمایش و امتحان است که نه مربوط به قشر خاصی است و نه در زمان و مکان مشخص صورت می‌گیرد، سنت ابتلاء همچون دیگر سنت‌های الهی امری مطلق و فراگیر است. به نظر می‌رسد که آزمون و ابتلاء در فرهنگ قرآن به امری ضروری و دایمی تبدیل شده است و شخص و یا جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که به آزمون الهی دچار نشود و از آن رهایی یابد. به دلیل ارتباط داشتن این مسأله در زندگی انسان، بحث پیرامون آن لازم و ضروری است.

مفهوم شناسی

۱. ابتلاء در لغت و اصطلاح

کلمه اصلی «ابتلا» مصدر ثلاثی مجرد است. این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه بکار رفته است. در لغت «ابتلاء» به معنای آزمون، تجربه،^۱ به کار می‌رود.

گفته‌اند: بلا بر سه وجه است: نعمت، اختبار، مکروه.^۲

مفهوم «ابتلاء» در اصطلاح عبارت از ظهور امتحان حق نسبت به بنده خود است، به واسطه ابتلا کردن آن به ابتلائات از تعذیب و رنج و مشقت.^۳

۲. بررسی کلمات مترادف با ابتلاء

ابتلاء با چند مفهوم هم ردیف و نزدیک است. که یکی از سنت‌های ثابت الهی در نظام انسانی، امتحان انسان‌هاست. این سنت در قرآن در قالب واژه‌های «فتنه»، «تمحیص»، «امتحان» و «ابتلاء» آمده است. نخستین مفهوم مترادف آن، در قرآن کریم «فتنه» ذکر شده است.

فتن: امتحان، اصل فتن گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از ناخوبی آشکار شود.^۴
دومین مفهوم مترادف آن تمحیص است. «محص» به معنای پاکیزه نمودن چیزی است از عیوب آن.^۵

واژه بعدی که در قرآن مترادف «ابتلا» ذکر شده است. «امتحان» است. این لغت از ریشه «محن» است که به معنای گداختن شیء برای خالص کردن آن است وقتی گفته می‌شود «محنت الذهب و الفضة»، بدین معناست که طلا و نقره را در آتش گداختن و با جدا کردن شائبه‌ها آن‌ها را صاف و خالص کردم.^۶

به رغم تفاوت اندک میان کارکرد این چهار واژه، همه آنها مشترکاً در یک معنا به کار رفته اند و آن آزمون همراه با سختی و دشواری است که برای جدا کردن ناخالصی‌ها از یک شیء انجام می‌گیرد.^۷



۳. بعضی از مصادیق ابتلاء و امتحان در قرآن و روایات

قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف به بعضی از مصادیق و اسباب امتحانات الهی اشاره کرده است از جمله:

۱. نعمت‌های روی زمین ۲. اموال و اولاد ۳. ذبح فرزند ۴. تشنگی

در روایات نیز مصادیق گوناگونی از اسباب امتحانات الهی نام برده شده از جمله:

۱. بعضی از امور مجهول؛ ۲. اهل بیت عصمت و طهارت؛ ۳. حسادت؛ ۴. صبر و رضا؛ ۵. هم و غم

فلسفه ابتلاء از دیدگاه آیات و روایات

می‌دانیم تکلیف و آزمایش‌هایی که از جانب خداوند بر بنده تحمیل می‌شود. برای خدای تعالی نفع و یا ضرری ندارد و هدف از آفرینش انسان این است که او با افعال اختیاری خودش به کمال برسد. در اینجا به برخی از فلسفه ابتلاء اشاره می‌کنیم.

۱. تربیت و پرورش استعدادهای نهفته

بشر بر اثر کوتاهی و نارسائی دانش خود، و رفع هر نوع ابهام ناچار است از در آزمایش وارد شود در صورتی که همین حالت برای خدا محال است ولی امتحان او انگیزه دیگری دارد که از آن به فعلیت رسیدن قوه‌ها، تربیت و پرورش استعدادهاست.

یک قانون کلی و سنت دائمی پروردگار است که برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته و به فعلیت رساندن آنها و در نتیجه پرورش بندگان آنان را می‌آزماید.

۳. تذکر و بیداری انسان

یکی از فواید عمده بلایا و مصائب آن است که آدمی را از خواب غفلتی که بر اثر فرو غلطیدن در نعمت‌های دنیوی بدان دچار شده است، بیدار می‌کند. ابتلاء و امتحان عامل بسیار مهمی در تذکر و بیداری انسان دارد. قرآن در آیات متعددی به این فلسفه اشاره می‌کند. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ

إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ^۸؛ ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شدائد و مِحَن مبتلا ساختیم تا مگر توبه کرده و به درگاه خدا تضرع و زاری کنند.

امام صادق (علیه السلام) هم در این زمینه می‌فرماید: «بر مؤمن چهل شب نمی‌گذرد مگر آنکه خدا او را در معرض امری قرار می‌دهد تا او را محزون سازد و به وسیله آن متذکر گردد».^۹

۳. تمحیص

فلسفه دیگر ابتلا که در قرآن از آن یاد شده است «تمحیص» است. خداوند مؤمنین را می‌آزماید تا آنان را تخلیص نماید و حالشان را از ناخالصی‌ها پاک نموده و غبار هواهای نفسانی را از قلوبشان بزداید، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ...»^{۱۰} «و تا خدا آنچه در سینه پنهان دارند بیازماید و هرچه در دل دارند پاک و خالص گرداند...»

۴. تمییز

یکی دیگر از فلسفه‌های امتحان خداوند تمییز مؤمنین از منافقین است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ...»^{۱۱}؛ خداوند هرگز مؤمنان را وانگذارد بدین حال کنونی (که مؤمن و منافق مشتبهند) تا آنکه به آزمایش بدسرشت را از پاک گوهر جدا کند....

ابزار ابتلاء

خداوند در سنت ابتلاء و امتحان ابزار و وسایلی را به کار می‌گیرد تا این ناموس الهی به اجرا در آید؛ جمیع امور وسایل و پدیده‌ها و رخدادهایی که به نحوی با آدمی در ارتباط اند و در حیات و زندگی وی مؤثرند، از ابزار ابتلا محسوب می‌گردند. در اینجا مختصراً به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

۱. اموال و فرزندان

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»^{۱۲} «و بدانید که شما را اموال و فرزندان فتنه و ابتلائی بیش

نیست .»

۲. ترس و گرسنگی

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ...»^{۱۳} .

«و قطعاً همه شما را با چیزی ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها آزمایش می

کنیم ...»

۳. خیر و شر

از دیدگاه قرآن، خوبی و بدی هردو فتنه و آزمایشند: «وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً...»^{۱۴}

ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کردیم تا شما را بیازمائیم...

۴. مرگ و حیات

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ...»^{۱۵} . خدائی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان

را بیازماید.

۵. وفای به عهد

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا... إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ...»^{۱۶}

و در مثل مانند زنی که رشته خود را پس از تاییدن محکم و اتابید نباشید که عهد و قسمهای

استوار و محکم خود را برای فریب یکدیگر و فساد کاری به کار برید... زیرا خدا شما بندگان را به

این عهد و قسمها می آزماید... .

۶. زینت های دنیوی

خداوند در سورهی کهف در آیه ۷ می فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ...» ما

آنچه در زمین جلوه گر است آرایش زمین قرار دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم... .

۷. تفاوت و اختلاف میان انسان‌ها

خداوند آفرینش اختلاف میان انسانها را از آیات و نشانه‌های خود معرفی می‌کند، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^{۱۷}. و یکی از آیات قدرت الهی خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان که در این امور نیز ادله منع و حکمت حق برای دانشمندان عالم آشکار است.

۸. انبیاء

از دیگر وسایل آزمون پیامبرانند؛ «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ...»^{۱۸} و ما هیچ رسولی پیش از تو به خلق نفرستادیم مگر آنکه آنها هم مانند تو غذا می‌خوردند و در میان بازار راه می‌رفتند.

وجود پیامبران به عنوان مژده دهنده و بیم دهنده، آزمایشی است برای مؤمنان و کافران و نیز عاملی برای برملا کردن آنچه هریک از این دو گروه پنهان می‌دارند.

۹. ابتلاء به تکلیف شرعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبِئْسَ مَا كَفَرُ الْبَشَرِ مِنَ الصَّيْدِ...»^{۱۹}؛ ای اهل ایمان خدا شما را به چیزی از صید می‌آزماید که در دسترس شما و تیرهای شما آیند تا بدانند که چه کسی از خدا در باطن می‌ترسد پس هر که از این به بعد از حدود الهی تجاوز کند او را سخت عذاب دردناک خواهد بود.

۱۰. شیطان

از دیگر موارد امتحان شیطان است که موقع رانده شدن از بهشت تا وقت معلوم از خداوند اجازه خواست: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»^{۲۰}؛ گفت خدایا چنانکه مرا گمراه کردی من نیز در زمین همه چیز را جلوه می‌دهم تا از یاد تو غافل شوند و همه آنها را گمراه خواهم کرد.

۱۱. جهاد

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^{۲۱}؛ چنین می‌پندارید که شما را بدون آزمایش به حال خود

رها می‌کنند در صورتی که هنوز خدا در مقام طاعت و مجاهده بر شما معلوم نگردانیده که از شما چه کس به حقیقت مؤمن است که جز خدا و رسول و مؤمنان را هرگز دوست خود و همراز خویش نخواهد گزید و خدا از همه‌ی کردار شما آگاه هست.

۱۲. نعمت و نعمت

امتحانات الهی همیشه به وسیله حوادث سخت و ناگوار نیست بلکه خداوند گاه انسان را با وفور نعمت‌ها و زمانی با کمبود آزمایش می‌کند.

«فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^{۲۲}. آری آدمی چون رنج و دردی به او رسید ما را به دعا می‌خواند و باز چون نعمت و دولت به او دادیم گوید این نعمت دانسته نصیب من گردید بلکه آن امتحان وی است ولی اکثر مردم آگاه نیستند.

آزمایش شوندگان در قرآن

الف. ابتلای پیامبران

امتحانات الهی، جنبه عمومی و همگانی دارد. و حتی پیامبران نیز از آن مستثنی نیستند، بلکه آزمایش آنها با توجه به سنگینی مسئولیتشان به درجات سخت‌تر، از آزمایش دیگران است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ، ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثَلَ»^{۲۳}: گرفتارترین مردم از نظر بلاء، پیامبران‌اند و پس از پیامبران جانشینان آنان دچار بلاهای سخت می‌شوند و به همین ترتیب شدت و کثرت بلا در طبقات پس از ایشان کاسته می‌شود.

۱. حضرت آدم (علیه السلام)

حضرت آدم (علیه السلام) اولین انسانی است که مورد آزمایش خداوند قرار گرفت. همچنانکه علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آیا مشاهده نمی‌کنید که همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین از آدم (علیه السلام) تا آیندگان این جهان را آزمایش کرد.»^{۲۴}

۲. حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ابراهیم در طول عمر خود چند بار در بوته امتحان قرار گرفت. قرآن کریم درباره‌ی وی می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ...»^{۲۵}. به یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود...

۳. حضرت اسماعیل (علیه السلام)

خداوند در قرآن امتحان ابراهیم و اسماعیل را به «بلاء مبین» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ»^{۲۶}. ما نیکوکاران را چنین نیکو پاداش می‌دهیم. این ابتلائات همان امتحانی است که حقیقت حال ایمان را روشن می‌کند.

۴. حضرت ایوب (علیه السلام)

یکی دیگر از پیامبرانی که دچار امتحانات سخت و طاقت فرسایی شده، حضرت ایوب (علیه السلام) بود. در سوره انبیاء به مرحله نجات و پیروزی او بر مشکلات و به دست آوردن مواهب از دسته رفته اشاره می‌کند:

«وَإِيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^{۲۷} و یاد کن ایوب را وقتی که دعا کرد که ای پروردگار مرا بیماری و رنج رسیده و تو از همه مهربانان عالم مهربان تری.

۵. حضرت داوود (علیه السلام)

حضرت داوود (علیه السلام) نیز با طرح سؤالی از جانب دو نفر که مشروح آن در سوره‌ی ص، آیه‌های ۲۴-۲۱ وارد شده است مورد آزمایش قرار گرفت و قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَوَظَنَ دَاوُودُ أَنَّهَا فَتْنَةٌ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ»^{۲۸} داوود دانست که ما او را سخت امتحان کرده‌ایم در آن حال از خدا عفو و آمرزش طلبید و با تواضع و فروتنی به درگاه خدا بازگشت.

۶. حضرت سلیمان (علیه السلام)

سلیمان فرزند حضرت داوود (علیه السلام) بود او نیز مانند پدرش داوود به طور خصوصی مورد آزمایش قرار گرفت. و قرآن به این حقیقت در آیه زیر تصریح می‌کند:

«وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ»^{۲۹} و ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی بر تخت وی افکندیم لذا متذکر شد و به درگاه خدا توبه و انابه کرد.

ب. ابتلای اقوام و ملتها

قرآن کریم به اجراء سنت ابتلا در میان امتهای قبل از اسلام چنین اشاره می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»^{۳۰} و ما پیغمبرانی به سوی امتان پیش از تو فرستادیم به بلاء و مصیبت‌ها گرفتارشان ساختیم شاید که به درگاه خدا گریه و زاری کنند. در این قسمت به چگونگی آزمایش برخی از اقوام و امتها می‌پردازیم.

۱. قوم نوح: نوح نخستین پیامبری بود که در برابر بت پرستی، مردم را به توحید فراخواند، و شاید نخستین قومی که دچار امتحان شدند قوم نوح (علیه السلام) بودند.^{۳۱}

۲. قوم ثمود: این گروه از پیامبر خود درخواست کردند که از طریق اعجاز شتری از کوه بیرون آید. خداوند به درخواست آنان به عنوان آزمایش پاسخ مثبت گفت. قرآن به این حقیقت در آیه زیر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ»^{۳۲}؛ ما برای امتحان آنها ناقه صالح را بیرون فرستادیم (وصالح را گفتیم) مراقب حالشان باش و بر آزارشان صبر پیشه گیر.

۳. قوم فرعون: آنچه از آیات قرآنی می‌توان استفاده نمود این است که خداوند ابتدا به منظور تذکر و بیداری و تنبیه این قوم، آنها را به قحطی و خشکسالی مبتلا نمود اما از زمانی که آنها بر کفر و عنادشان اصرار ورزیدند، به انواع دیگری از عذاب و مصیبت مبتلا شدند تا شاید بیدار و هوشیار شوند. «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفْضِلَاتٍ...»^{۳۳}؛ (پس آنگاه به کیفر کفرشان) بر آنها طوفان و ملخ و شپشک و وزغ و خون آن نشانه‌های آشکار (قهر و غضب) را فرستادیم...

۴. قوم بنی اسرائیل: خداوند مطابق آیات متعددی از قرآن، بنی اسرائیل را در موارد بسیاری با دادن نعمت و رفاه یا عذاب و سختی آزمایش کرده است.

«إِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ... وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَظِيمٌ»^{۳۴}

هنگامی که شما را از ستم فرعونیان نجات دادیم که از آنها سخت در شکنجه بودید تا به حدی که پسران شما را کشته و زنانتان را برای کنیزی نگاه می داشتند و این بلاء و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان می آزمود.

۵. لشکریان طالوت: طالوت به سرپرستی گروهی از بنی اسرائیل مأمور گردید که ستمگر زمان خود (جالوت) را سرکوب کند. قرآن می فرماید:

« فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ... »^{۳۵}

پس هنگامی که طالوت لشکر کشید سپاه خود را گفت همانا خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند هرآنکه از آن بیاشامد از من و هم از آیین من نیست و هرآنکه هیچ نیاشامد یا کفی بیش بر نگیرد از من و هم از آیین من خواهد بود.

۶. آزمون مسلمانان: مسلمانان نیز با آزمایش های دشواری دست به گریبان شدند. از جمله آن آزمایش ها درباره صید حیوانات در خشکی در حال احرام، جنگها، پایداری در ایمان و وفای به عهد و... است.

۷. پیمان شکنی امت اسلامی: در روایتی از رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وارد شده که فرمود: تمامی آنچه که در بنی اسرائیل رخ داد، مو به مو در این امت نیز رخ می دهد و همان راهی را که آنان پیموده اند، قدم به قدم توسط این امت پیموده می شود.^{۳۶}

۸. آزمون ولایت: امت اسلام نیز پس از پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به آزمونی بس بزرگ مبتلا شد که در پس آن بسیاری از مسلمانان صدر اسلام، از مهاجران و انصار و دیگران، از امتحان عظیم شکست خوردند و لغزیدند. ماجرای سقیفه و غصب خلافت علی (علیه السلام) و مخالفت آشکار با توصیه های اکید پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سرآغاز آن فتنه فراگیر بود.^{۳۷}

۹. آزمون مودت اهل بیت: می دانیم که خداوند به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) دستور داد تا به مسلمانان پیامی مهم ابلاغ کند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۳۸} بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

۱۰. آزمون غیبت: آخرین و دشوارترین امتحان امت اسلام «محنت غیبت» است. امتحان دوران غیبت، بسیار هشدار دهنده است. در روایتی از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وارد شده که فرمود: اگر از عمر روزگار جز یک روز نمانده باشد، همانا خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی‌انگیزد تا زمین از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ستم پر شده است.^{۳۹}

ج. ابتلای کفار و دنیاپرستان

عکس العمل انسان‌ها در برابر بلاها

۱. جزع و فزع (عکس العمل‌های منفی): عده‌ای وقتی بلا و مصیبت به آنان روی می‌آورد، آه و ناله سر می‌دهند، گله و شکوه به تعبیر قرآن «جزع» می‌کنند. قرآن در مذمت این اشخاص می‌فرماید: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»^{۴۰} چون شر و زیانی به او رسد جزع و بی‌قراری می‌کند.
۲. صبر و بردباری: گروهی دیگر از مردم، با ایمان به وعده‌های خداوند و به امید دست یافتن به پاداش صابران، به هنگام روی آوردن بلا و مصیبت، خویشتن داری کرده و بردباری پیشه می‌نمایند.^{۴۱}
۳. شکر و سپاسگزاری: عالی‌ترین و بهترین نوع عکس العمل در برابر مصایب و بلاها، شکر و سپاسگزاری است.

آثار و نتایج ابتلاء

ابتلا آثار متعدد و فراوانی در تکامل انسان دارد ولی در این جا به برخی از آثار ابتلاء اشاره می‌کنیم:

۱. نقش ابتلاء در زدودن گناهان

یکی از آثار ابتلا، زدودن گناهان است. بلاهایی که خداوند متعال برای از بین بردن آثار گناه پیش می‌آوردند در حقیقت کفاره گناهان است که خداوند متعال به لطف و رحمتش قسمتی از گناهان برخی گناهکاران را در دنیا می‌شوید تا پس از مرگ، گرفتار عذاب‌های دردناک نشوند. این نوع حوادث نیز لطف خداست. فاطمه زهرا (علیها السلام) در این باره می‌فرماید:

«يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِم بِالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا»^{۴۲}؛ سوزش سختی‌ها و دشواری بلاها، افراد را از غبار گناهان پاک می‌سازد.

۲. مقیاس پاداش و کیفرها

شکی نیست تنها داشتن صفات درونی مقیاس پاداش و کیفر نیست بلکه تا صفات خوب و بد انسان ظاهر نشود هرگز نمی‌توان کسی را به صفات درونی، کیفر یا پاداش داد و این صفات از طریق افعال و اعمال انسان آشکار می‌گردد و ظهور اعمال بدون اینکه انسان در بوته امتحان قرار بگیرد امکان‌پذیر نیست. در سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) وارد شده است، تا آنجاکه می‌فرماید: گرچه خداوند به احوالاتشان از خودشان آگاه‌تر است، تا کرداری که استحقاق پاداش یا کیفر دارد آشکار نماید.^{۴۳}

۳. نقش ابتلاء در توبه و بازگشت انسان

یکی دیگر از آثار مفید و ارزشمندی که ابتلاء در تکامل انسان دارد، این است که این سنت عامل بسیار مهمی در توبه و بازگشت بسوی خداوند دارد. از آنجا که دنیا ظاهری زیبا و باطنی درد آسا دارد، و انسان‌ها به خاطر تنگ نظری و ضعف ایمان و عقیده به مظاهر دنیا رو می‌کنند و یاد از محبوب می‌برند، خداوند متعال که نسبت به بندگانش رؤف و غفور است و دوست دارد همه به کمال برسند، افراد را در مصائب و سختی‌ها قرار می‌دهد تا علاوه بر دست کشیدن از گناهان، طریق توبه را نیز بیمایند و به درگاه حق روی آورند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ»^{۴۴}. آیا نمی‌بینید که آنها در هر سالی یکبار یا دو بار البته امتحان می‌شوند باز هم از کردار زشت خود پشیمان نشده و خدا را یاد نمی‌کنند.

پاسخ به شبهات

۱. رابطه علم خدا و ابتلاء: در مورد علم الهی مسائل زیادی مطرح است، اما آنچه مربوط به این بحث می‌شود این است که علم الهی چگونه علمی است؟

منظور از علم خدا همان تحقق عینی مسائل و وجود خارجی آنها است، و به تعبیر دیگر، ظهور آثار و شواهد عملی است، یعنی باید علم خدا درباره‌ی این گروه عملاً در خارج پیاپی شود، تا نیات درونی و صفات باطنی در عمل انسان تحقق و عینیت پیدا نکند ثواب و جزا و کیفر مفهوم ندارد؛ آزمایش برای تحقق بخشیدن به نیات و صفات درونی است.^{۴۵}

۲. رابطه ابتلاء و اختیار: دنیا ظرف امتحان است و امتحان هم از کسی به عمل آورند که دارای اختیار باشد، نه اینکه مانند موجودات طبیعی آثار و حرکاتش جبری و طبیعی باشد، و اختیار هم وقتی متصور است که خلط میان حق و باطل و خیر و شر ممکن باشد به نحوی که انسان‌ها خود را در سر دو راهی ببینند و هر یک از دو راه سعادت و شقاوت را که می‌خواهند اختیار کنند.^{۴۶}

۳. رابطه ایمان و بلاء: از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «همانا مؤمن مانند کفه ترازو هست، هر اندازه که ایمان او زیاد می‌شود، رنج و بلای او نیز زیادتر خواهد شد.»^{۴۷}

۴. ارتباط بلاء با گناه: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...»^{۴۸}
فساد و پریشانی به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا ما هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشانیم باشد که بازگردند.

عدم کلیت قاعده «بلاء بازتاب گناه»

باید توجه داشت که مطلب (ارتباط بلا با گناه) نه در مورد بلاهایی که بر انسان‌ها - حتی گنهکاران - وارد می‌شود کلیت دارد و نه در مورد همه اشخاص انسانی؛ برای بلایا اهداف و عللی وجود دارد که حتی اگر شخصی هم گناه نکند به آن مبتلا خواهد شد.^{۴۹}

نتیجه

ابتلاء از سنت‌های قطعی و مسلم الهی است، بلاها با همه فوایدی که برای ما دارند تا وقتی مفید و مؤثر می‌باشند که از جانب خدای متعال باشند و ما حق نداریم برای اینکه به نتایج و آثار خوب بلاها برسیم، خود را به منجلا ب مشکلات بیندازیم؛ بلکه ما موظفیم در راه رفع سختی‌ها و گرفتاری‌های خود و دیگران بکوشیم. اگر به نتیجه نرسیدیم، روشن می‌شود که این بلا از جانب خداست و ما در این حال موظف به صبر و رضا می‌باشیم تا به فواید آن برسیم.

پیشهادات

۱. مسئله حتمیت امتحان و ابتلاء باید به طور دائم به وسیله پدران و مادران متعهد و خطیبان به فرزندان و جوانان و مردم تذکر دهند و تمام بندگان خدا را برای برخورد صحیح با ابتلائات الهی آمادگی داده شوند.
۲. با سر زدن به قبرستان‌ها، بیمارستان‌ها و آسایشگاه‌های معلولین به یاد نعمت‌های خدا بیفتیم و از خواب غفلت بیدار شویم و بدانیم این‌ها همه برای امتحان است.

پی نوشت ها

۱. محقق، محمد باقر، دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، تهران، انتشارات بعثت، ج ۳، ص ۴۵۸.
۲. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم، موسسه البعثه، الطبعة الاولى، الجزء الاول، ص ۱۸۹.
۳. سجادی، جعفر، فرهنگ و معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۳۶.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، ص ۶۲۳.
۵. همان، ص ۷۶۱.
۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۲.
۷. بهجت پور و دیگران، عبدالکریم، تفسیر موضوعی قرآن کریم، دفتر نشر معارف، ص ۲۲۳.
۸. سورهی اعراف (۷)، آیهی ۹۴.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه ۱۳۷۴، ج ۶۷، ص ۲۱۱.
۱۰. سورهی آل عمران (۳)، آیهی ۱۵۴.
۱۱. سورهی آل عمران (۳)، آیهی ۱۷۹.
۱۲. سورهی انفال (۸)، آیهی ۲۸؛ سورهی تغابن (۶۴) آیهی ۱۵.
۱۳. سورهی بقره (۲)، آیهی ۱۵۵.
۱۴. سورهی انبیاء (۲۱)، آیهی ۳۵.
۱۵. سورهی ملک (۶۷)، آیهی ۲.
۱۶. سورهی نحل (۱۶)، آیهی ۹۲.
۱۷. سورهی روم (۳۰)، آیهی ۲۲.
۱۸. سورهی فرقان (۲۵)، آیهی ۲۰.
۱۹. سورهی مائده (۵)، آیهی ۹۴.
۲۰. سورهی حجر (۱۵)، آیات ۳۹-۴۰.
۲۱. سورهی توبه (۹)، آیهی ۱۶.
۲۲. سورهی زمر (۳۹)، آیهی ۴۹.
۲۳. الکلبینی الرازی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۵۹.
۲۴. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۸.
۲۵. سورهی بقره (۲) آیهی ۱۲۴.
۲۶. سورهی صافات (۳۷): آیات ۱۰۵-۱۰۶.

۲۷. سوره ی انبیاء (۸۳) آیه ی ۸۳.
۲۸. سوره ی ص (۳۸): آیه ی ۲۴.
۲۹. سوره ی ص (۳۸): آیه ی ۳۴.
۳۰. سوره ی انعام (۶): آیه ی ۴۲.
۳۱. بی آزار شیرازی عبدالکریم و محمد باقر حجتی و دیگران، تفسیر الکاشف،: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۴۱.
۳۲. سوره ی قمر (۵۴)، آیه ی ۲۷.
۳۳. سوره ی اعراف (۷)، آیه ی ۱۳۳.
۳۴. سوره ی بقره (۲)، آیه ی ۴۹.
۳۵. سوره ی بقره (۲)، آیه ی ۲۴۹.
۳۶. بابویه قمی محمد بن علی، من لا یحضر الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ هـ، ق، ج ۱، ص ۲۰۳.
۳۷. ابوصادق سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۳ ق، ص ۹۳۸.
۳۸. سوره ی شوری (۴۲)، آیه ی ۲۳.
۳۹. السجستانی، ابی داود سلیمان بن الاشعث، سنن ابن داود، بیروت - لبنان، دارالجنان و مؤسسه الکتب الثقافیه، ج ۲، ص ۵۰۹.
۴۰. سوره ی معارج (۷۰)، آیه ی ۲۰.
۴۱. سوره ی بقره (۲)، آیه ی ۱۵۷-۱۵۵.
۴۲. التویرکانی، محمد بنی (طاب ثراه)، ثالی الاخبار، قم، مکتبه العلمیه، المجلد الخامس، ص ۱۵۵.
۴۳. نهج البلاغه، حکمت ۹۳، ص ۶۴۴.
۴۴. سوره ی توبه (۹)، آیه ی ۱۲۶.
۴۵. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۶، ص ۲۰۵.
۴۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱۲، ص ۱۴۴.
۴۷. القمی، عباس، سفینه البحار، ال: دارلأسوه، ۱۴۱۴ هـ، ق، ج ۱، ص ۳۹۲.
۴۸. سوره ی روم (۳۰)، آیه ی ۴۱.
۴۹. کربلاتی، علی، گلستان قرآن، شماره ۵۴، ص ۳۷.